

■ چکیده:

در گذشته، تعلیم و تربیت در ایران به سه شکل آموزش در مکتب‌خانه‌ها، حوزه‌های علمیه، و تدریس خصوصی در منازل وجود داشت؛ که هر کدام از این اشکال دارای زمینه‌ها و شرایط خاص خود بودند. مقاله حاضر به تحصیل دختران در مکتب‌خانه‌ها و روش آموزشی آنها و استفاده از «معلم سرخانه» و تأسیس مدارس جدید و آموزش دختران و شرایط و تبعات آن اشاره دارد و سپس به بحث تأسیس مدارس مذهبی برای بانوان علاقه‌مند در مشهد و در ادامه به بیان انجام طرح پژوهشی «تاریخ شفاهی مدارس علمیه بانوان در مشهد» می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها:

تاریخ شفاهی؛ آموزش دینی؛ آموزش دختران؛ مدارس دینی.

گزارشی از تاریخ شفاهی مدارس علمیه بانوان در مشهد

شکوه سادات سمیعی^۱

مقدمه

در گذشته، تعلیم و تربیت در ایران به سه شکل آموزش در مکتب‌خانه‌ها، حوزه‌های علمیه، و تدریس خصوصی در منازل وجود داشت. که هر کدام از این اشکال دارای زمینه‌ها و شرایط خاص خود بودند.

مکتب‌خانه‌ها بیشتر به آموزش احکام مذهبی، خواندن قرآن و صرف‌ونحو عربی می‌پرداختند. ادبیات قدیم مثل غزلیات حافظ، گلستان سعدی، مثنوی مولوی، خمسه نظامی، دیوان سنائی، و خلاصه‌الحساب شیخ‌بهائی نیز از زمره کتاب‌های درسی آنها به‌شمار می‌رفت. این مدارس با روش‌های یکسان و بدون نظارت دولت اداره می‌شد. مکان مشخصی برای مدرسه وجود نداشت، و در منازل، مساجد، حجره‌های بازار و ... تشکیل می‌شد. دانش‌آموزان تنبیه بدنی می‌شدند و مواد آموزشی برایشان سنگین و خارج از فهم بود، و برای همین این نوع آموزش در بسیاری از موارد علاقه‌ای به آموختن در کودکان و نوجوانان ایجاد نمی‌کرد. مدارس مذهبی که طلاب علوم‌دینی در آن به تحصیل می‌پرداختند، نیز نوع خاصی از آموزش بود که البته عمومیت نداشت و از ابتدا تا همین چند دهه قبل تنها مردان، حق تحصیل در این مدارس را داشتند.

شیوه تدریس خصوصی و استفاده از «معلم سرخانه» نیز جنبه عمومی نداشت، و به‌طور کلی ثروتمندان و خانواده‌های متمول برای اینکه فرزندشان با کودکان دیگر تماس نداشته باشند، و معاشرت با آنها موجب بدآموزی آنان نگردد، از معلم سرخانه برای کودکان خود استفاده می‌کردند.^۱ یعنی اندک دخترانی که در گذشته، تحت آموزش قرار می‌گرفتند، به‌طور معمول در نزد پدر، برادر، عمو، همسر و سایر محارم تعلیم می‌دیدند و از نعمت خواندن و گاهی نوشتن بهره‌مند می‌شدند.

۱- شکوه السادات سمیعی، کارشناس
مصاحبه مدیریت اسناد و مطبوعات آستان
قدس رضوی. Sadatsamee1361@gmail.com

۲- مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من
یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه،
تهران: زوار، ۱۳۲۲، چاپ دوم، جلد ۱،
ص ۲۲۰.



بدین ترتیب زنان باسواد و عالم تنها در خانه خواص امکان ظهور و پرورش داشتند.^۱ از آنجا که خروج دختران از خانه به هر دلیلی در نزد عموم مردم غیر قابل قبول بود، طرح مسئله آموزش دختران به شکل عمومی بسیار غامض به نظر می‌رسید. اما سرانجام برخی از روشنفکران با الهام از مدارس اروپائی بر تعلیم دختران ایرانی و اجباری کردن آن پافشاری کردند.^۲ با این وجود ملی‌بودن مدارس مورد نظر، الزام دانش‌آموزان به پرداخت هزینه، و شرایط نامناسب اقتصادی اغلب خانواده‌ها، امکان تحصیل را برای دختران سخت می‌کرد. از دید عموم، اهمیت پسران به‌عنوان نان‌آور خانه، از امکان سرمایه‌گذاری مالی برای آموزش دختران می‌کاست و باسواد شدن و آموزش آنها را کاری بی‌مورد جلوه می‌داد. در واقع جامعه هنوز به ضرورت و اهمیت آموزش دختران آگاه نبود و از آن استقبال نمی‌کرد، این بود که تأسیس مدارس جدید و آموزش دختران از سوی اقدار مختلف جامعه با واکنش‌های منفی روبرو شد.^۳

مشهد اولین شهر در ایران بود که با توجه به درک شرایط موجود و شناخت صحیح باورهای جامعه، به‌صورت منسجم و به تبعیت از علوم آموزشی جدید، تأسیس مدارس مذهبی برای بانوان علاقه‌مند را تجربه کرد تا ضمن ایجاد اعتماد در خانواده‌های متدین، بانوانی مذهبی، تحصیل کرده، و روشنفکر به‌جهت تبلیغ علوم اسلامی در سطح جامعه به‌خدمت بگمارد.

انجام پژوهشی تحت‌عنوان «تاریخ‌شفاهی مدارس علمیه بانوان در مشهد» تلاش کوچکی در جهت شناخت و بررسی زمینه‌ها و انگیزه‌ها، اهداف و عملکرد، و تأثیر وجود این مدارس در جامعه، از ابتدا تا به امروز است.

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

باید گفت، به‌علت گمنامی و عدم شفافیت حوزه عملکرد این مدارس، وسعت و حساسیت این پژوهش قبل از اجرای آن، به‌طور کامل معین و روشن نبود و در حین انجام کار و پایان فعالیت‌های مربوط به آن، ابعادی از طرح مشخص شد که قابل‌اعتنا و درخور توجه بود. با توجه به اطلاعات به‌دست آمده، اهمیت و ضرورت موضوع «تاریخ‌شفاهی مدارس اسلامی بانوان» را به پنج بخش عمده می‌توان تقسیم کرد:

الف. قدمت نسبتاً طولانی مدارس اسلامی بانوان در عرصه تاریخ معاصر:

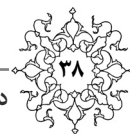
اطلاع از این مسئله که شروع فعالیت این مدارس در مشهد، به‌زمانی باز می‌گردد که حتی هنوز در شهر قم با پیشینه مذهبی‌اش، هیچ مرکزی برای تبلیغ و ارشاد بانوان پایه‌ریزی نشده، و سال‌ها قبل از تأسیس حوزه علمیه خواهران در قم، از بانوان مبلغ در مدارس اسلامی مشهد، برای حضور در محافل مذهبی شهر قم دعوت به‌عمل می‌آمده است، به‌تنهایی انگیزه‌ای قوی برای آغاز و انجام کار و نشانگر اهمیت و اصالت حضور فرهنگی بانوان مشهد در سطح کشور خواهد بود.^۴

۱- مهرآبادی، میترا. زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی، تهران: آفرینش، ۱۳۷۹، ص ۵۰۷.

۲- احمدی خراسانی، نوشین؛ فیروزه مهاجر. فصل زنان، تهران: توسعه، ۱۳۸۳، ص ۴۷.

۳- ترابی فارسانی، سهیلا. مدارس دختران از مشروطیت تا پهلوی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۸، ص ۱۵.

۴- مصاحبه با شهریانو صفری، مؤسس مدرسه عصمتیه، در تاریخ ۱۳۸۳/۶/۱۲، شماره پرونده ۲۲۶.



ب. اهمیت و تأثیر فعالیت‌های این مدارس در اوضاع سیاسی و اجتماعی حاکم

بر جامعه

آغاز فعالیت این مدارس (سال ۱۳۴۲) را اگر با وجود شرایط سیاسی و اجتماعی آن دوران مورد بررسی قرار دهیم، بر حساسیت اقدامات مدارس و متولیان آن واقف خواهیم شد. در گزارشی که مقام رهبری، آیت‌الله خامنه‌ای از سابقه تاریخی این مدارس ارائه داده‌اند، درباره محدودیت و سختی شرایط دوره‌های گذشته می‌نویسند: «از همه سو باران بلا و محنت بر آنها می‌بارید. رنج تأمین نیازهای مدارس، تحقیر و اهانت زمامداران و همه کسانی که از فرهنگ دست‌آموز آنان تغذیه می‌شدند، بی‌خیالی و غرور و وابستگی بعضی از معاریف و سرجنابان معمم، میدان نیافتن برای رشد و شکوفایی استعدادهایی که در اعجاب بود و بالاخره فشار سیاسی موزیانه و بسیار سختگیرانه از سوی دولت»^۱.

با این توضیحات، ارزش خدمات این مدارس را تنها زمانی می‌توان دریافت که مجموعه شرایط و اوضاع مؤثر بر حیات آنها را بررسی نمود و فشارهای سیاسی و تنگناهای اجتماعی آن دوران را در نظر گرفت.

پ. تأثیرات انکارناپذیر این مدارس در ابعاد مختلف جامعه

زنان حتی در صورتی که خانه‌نشین صرف باشند، با توجه به تأثیر فراوانی که در مقام مادر در تربیت نسل آینده، و در مقام همسر در فراهم ساختن محیط مناسب برای مردان دارند، دارای نقش مهم و قابل توجهی در عرصه عمومی جامعه هستند.^۲ پس کاملاً طبیعی است که در مقیاسی فراتر، فعالیت اجتماعی آنان در مدارس علمیه بر عموم اقشار جامعه اعم از دانشجوی، دانش‌آموز، کارمند، کاسب و ... در همه ابعاد فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، سیاسی ساری و جاری گشته و جایگاه خاص و قابل‌تأملی در جامعه کسب می‌کنند.

ت. رشد حضور زنان در جامعه و اهمیت روزافزون مسائل مؤثر در شکل‌گیری

سرنوشت آنها

ایران معاصر از ده‌ها سال قبل شاهد رشد حضور زنان و افزایش میزان تحصیلات آنهاست، این امر نشان داده که زنان ایرانی، خواهان مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برابر با مردان بوده، و ضرورت بهره‌گیری از توانمندی‌ها و استعدادهای بالقوه و بالفعل آنها، هم از بُعد تحلیلی و هم از بُعد ارزشی، پراهمیت است؛ پس فراهم‌ساختن هرگونه ابزار شناخت و بررسی فرآیند این اتفاق موجب بهبود روزافزون زمینه‌های حضور زنان خواهد شد.^۳

ث. لزوم شناسایی و معرفی بانوان فعال و ثبت اقدامات و تأثیر آن در تاریخ

در بخش مدیریت این مدارس شخصیت‌هایی حضور داشتند که در بحرانی‌ترین شرایط، بودجه، امکانات و زندگی شخصی خود را در خدمت نشست‌ها، دیدارها، درس‌ها و بحث‌ها قرار داده بودند

۱- خامنه‌ای، علی. گزارشی از سابقه

تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه

مشهد، مشهد: مؤسسات چاپ و انتشارات
آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵، ص ۴.

۲- عظیمی‌نژادان، شبنم. زن معمار جامعه

مردسالار، تهران، اختران، ۱۳۸۳، ص ۳۲۱.

۳- ناجی‌راد، محمدعلی. موانع و مشکلات

در فعالیت‌های سیاسی اقتصادی در ایران

پس از انقلاب، تهران: کویر، ۱۳۸۲، ص ۳۱.



تا اهداف خود را تحقق بخشیده، و بر فضای جامعه تأثیر بگذارند. بدیهی است، شناخت این افراد کمک بزرگی به چگونگی تحلیل، و تکمیل بررسی تاریخ انقلاب اسلامی خواهد کرد.

نتایج حاصله از مطالعات اولیه

با نگاهی دقیق به نقش و هویت زنان به راحتی می توان دریافت به جهت تأثیرگذاری بسیار حساسی که آنان بر همه ابعاد و وجوه اجتماعی دارند، طیف وسیعی از اثرات بسیار منفی، تا بسیار مثبت را بر جامعه و محیط خود باقی می گذارند. همین تأثیرات شگرف، روحیات خاص، و حساسیت های موجود در شخصیت زن است که ایجاب می کند که با نگرشی نو، تفاوت های فردی اش را با مردان پذیرفته، و میزان نفوذ و تأثیرگذاری این روحیات و تفاوت ها را بر پدیده های اطرافش بسنجیم. از آنجا که در گذشته، فعالیت و حضور اجتماعی بسیاری از بانوان مشهودی، در ارتباط مستقیم و نزدیک با مدارس اسلامی شکل گرفته، روشن است که هر ذهن پرسشگری، به درک و شناخت اهمیت نقش این مدارس ترغیب می شود. تحقیقات نگارنده درباره این مطالب نیز، مؤید میزان نفوذ مدارس اسلامی بانوان، و تأثیرگذاری عمیق آنها بوده است. که موجب حصول نتایج ذیل بود:

۱. مدارس اسلامی بانوان مشهد، در ایجاد و تقویت روحیات مذهبی نقش محوری داشته اند.

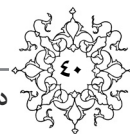
در بعضی شهرها به خاطر موقعیت های خاص سیاسی، اجتماعی یا مذهبی ممکن است شخصیت های مذهبی بیشتری گردهم آیند، و در نتیجه، حوزه های درسی گرم تر و شاگردان فراوان تری فراهم آید. در مورد شهر مشهد عامل مهم تری، چون وجود مرقد امام علی بن الرضا علیه السلام، نیز مؤثر بوده است.^۱ برای همین بسیاری از مؤسسان و مدیران مدارس اسلامی بانوان را در شهر مشهد، افرادی تشکیل می دهند که از مناطق دیگر آمده، و به جهت علاقه به مجاورت امام هشتم در مشهد سکنی گزیده اند.^۲ بدیهی است با حضور این زنان متدین در مشهد، شعاع جلسات ارشاد و آموزش آنها، رفته رفته گسترده تر می شد و زنان بیشتری را پیرامون خود متمرکز می کرد، سرانجام همین اساتید گمنام و شاگردان مشتاق، شالوده اصلی مدارس علمیه بزرگ را در آینده بنا نهادند. بعدها وسعت اقدامات برخی مدارس، مثل آکادمیک کردن نظام درسی و تدریس با کاربردهای جدید، همچنین تعلیم و اعزام مبلغ به خارج از کشور؛ و جذب، پذیرش و ارائه تسهیلات به طلاب غیرایرانی نقشی جدی و محوری برای حوزه مذهبی این شهر فراهم آورد.

۲. مدارس اسلامی بانوان، تأثیر مستقیم بر حضور سیاسی زنان در حرکت ها و جریانات زمینه ساز انقلاب اسلامی داشته اند.

مدارس اسلامی معتبر و با سابقه هیچ گاه آموزش های مذهبی را از مبارزات سیاسی منفک نکردند، حتی زمانی که در اثر فعالیت های مبارزاتی مدارس علمیه بانوان، حکومت اقدام به تعطیلی

۱- خامنه ای، علی. گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد، ص ۳۱.

۲- مصاحبه با فاطمه زندی، مدیر مدرسه پیروان حضرت زهرا (س)، در تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۵، شماره پرونده ۱۵۹.



این مدارس می‌کرد، این مبارزات به‌منازل کشیده و با توان بیشتری دنبال می‌شد.^۱ بسیاری از برنامه‌ریزی‌ها مثل تکثیر اعلامیه و حضور مؤثر در تظاهرات و تحصن‌ها از همین مدارس شکل می‌گرفت و خیلی از مسئولان با سابقه این مدارس متحمل زندان، بازداشت، تعقیب و تبعید مکرر در سال‌های قبل از انقلاب بوده‌اند. به‌طور کلی باید گفت مبارزات سیاسی در طول انقلاب، حمایت عملی از رزمندگان دفاع مقدس، تبلیغات انتخاباتی در جهت شرکت همگانی به‌ویژه بانوان در این عرصه، از دیگر فعالیت‌های این مؤسسات در سیاسی‌شدن زنان به‌شمار می‌روند.

۳. این مدارس نقش مهمی در تفهیم و تبیین چگونگی فعالیت‌های اجتماعی زنان تحصیل‌کرده و روشنفکر در جامعه داشته‌اند.

قبل از انقلاب اسلامی، دو الگوی متفاوت از زن، در جامعه وجود داشت، نخست الگوی زن مدرن غرب‌گرا، که مورد حمایت حاکمیت نیز بود، و دوم الگوی زن سنتی و عمدتاً خانه‌نشین و بی‌تفاوت به‌مسائل کلان جامعه. به‌تدریج بین این دو الگوی متفاوت، قشر متعادلی ایجاد شد، که به هر دو الگوی اشاره شده تعلقاتی داشت و در عین حال با هیچ‌یک از آنها نیز کاملاً منطبق نبود، در واقع نقاط قوت هر یک را جذب کرده و تلاش می‌کرد تا از موارد منفی هر دو الگو کناره بگیرد. مشخصه بارز این گروه از زنان، این بود که در حین تحصیلات عالی و حتی اشتغال، غرب‌گرایی را به‌شکل افراطی آن نمی‌خواست و در عین وفاداری به ارزش‌های سنتی و مذهبی، خود را از حضور در صحنه‌های اجتماع کنار نمی‌کشید و درباره مسائل سیاسی و اجتماعی بی‌تفاوت نبود.^۲

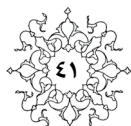
با توجه به قرائن موجود، تأثیر حوزه‌های علمی بانوان، در تشکیل این گروه از زنان کاملاً مشهود است. زیرا بانوان مشهدی با پیوستن به برنامه‌ها و آموزش‌های این مدارس، هم در جایگاه آموزش و هم در مقام تدریس، موفق به تأثیر و نفوذی پایدار در جامعه، حتی خانواده‌های صاحب‌منصبان مهم سیاسی و اجتماعی شدند، تا آنجا که ایجاد تحولاتی عمیق در افکار و عقاید زنان، مردان خانواده را نیز ترغیب به حمایت پنهان مادی و معنوی از محافل مذهبی می‌کرد.^۳

همچنین برگزاری مراسم سخنرانی، افتتاح و اداره مدارس غیرانتفاعی در همه مقاطع، انتشار نشریات دوره‌ای، چاپ کتاب‌های علمی، تربیتی، آموزشی، ارائه خدمات بهداشتی و رفاهی به نیازمندان جامعه، تأسیس و اداره پرورشگاه، اجرای عملیات اقتصادی برای گسترش و پیشرفت مدرسه و تأمین مخارج آن، تشکیل کلاس‌های شبانه‌روزی تربیت مدرس و مبلغ برای خدمت در داخل و خارج از کشور، مقبولیت و محبوبیت این مدارس را در جامعه افزایش می‌داد.

مراحل انجام کار

از آنجا که در گذشته، همه تاریخ را مردان نوشته‌اند، اگر به‌مناسبتی هم در مورد زنان بحث شده، بیشتر از دیدگاه مردان بوده است، درحالی که، کنکاش در زندگی خصوصی اغلب متفکران برجسته

۱- مصاحبه با فاطمه اعتمادی، مدیر مدرسه مکتب الزهرا (س)، در تاریخ ۱۳۸۳/۷/۱، شماره پرونده ۱۰/۱.
۲- طغرانگار، حسن. حقوق سیاسی - اجتماعی بانوان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۴.
۳- مصاحبه با صدیقه مقدسی، مدیر مدرسه اسلام شناسی، در تاریخ ۱۳۸۳/۹/۱۶، شماره پرونده ۳۴۸/۱.



و موفق ایرانی نشان می‌دهد که آنها از زندگی خانوادگی آرامی برخوردار بوده‌اند، و همسرانشان در تضمین موفقیت شوهران خود سهم زیادی داشته‌اند. همچنین با تعمق در اکثر وقایع مهم و ماندگار تاریخی، به‌شکلی حضور یک زن به‌عنوان یکی از انگیزه‌های اصلی غیرقابل‌انکار است. تاریخ شهر مشهد هم به‌عنوان یک قطب مهم مذهبی، انباشته از رویدادهایی است که مستقیم و غیرمستقیم از حمایت جریانات و حرکت‌های بانوان این شهر بی‌بهره نبوده است، در این میان، اندیشه و مدیریت مؤسسان، مدیران، مدرسان و طلاب مدارس اسلامی در شرایط مختلف نقش به‌سزایی ایفا نموده است. ضرورت شناساندن آنها به آیندگان، به‌عنوان یک واقعیت تاریخی، طرح «تاریخ‌شفاهی مدارس اسلامی بانوان» را پی‌ریزی نمود.

اندیشه گردآوری تحقیقاتی که به‌نگارش این پژوهش انجامید، در ماه‌های اولیه سال ۱۳۸۳ و با پیشنهاد و پیگیری مدیریت وقت اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی پدید آمد. برای شروع لازم بود از سابقه حضور زنان در فعالیت‌های مختلف شهر مشهد اطلاعاتی به‌دست آورد. بعد از جمع‌آوری مواردی کلی و مهم، انگیزه‌ها، اهداف و محدوده طرح به‌روشنی مشخص شد. برای آشنایی بیشتر با این مراکز، فهرستی از نام و محل مدرسی که قبل از انقلاب اسلامی تأسیس شده، تهیه و براساس تاریخ افتتاح و تشکیل آنها، اولویت‌بندی‌های لازم انجام گرفت.

۱. جمع‌آوری پیشینه طرح

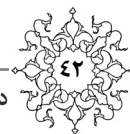
گرچه سابقه فعالیت مدارس اسلامی بانوان به ده‌ها سال قبل باز می‌گردد، اما پژوهش درباره این مسئله، امر آسانی نیست، چرا که هنوز هم بسیاری از اسناد و مدارک پیرامون این موضوع، چاپ و منتشر نشده، و در نزد افراد و خانواده‌ها، و در بقچه‌های ترمه، صندوق‌های کنده‌کاری و کتابخانه‌های شخصی نهفته و محفوظ مانده است. به‌همین دلیل مراجعه به کتابخانه‌های قابل‌دسترس و مطالعه کتب انگشت‌شماری که در این باره به‌نگارش درآمده، کمک زیادی نخواهد نمود. برای مثال در معدود کتاب‌هایی که به تاریخ آموزش زنان در شهر مشهد پرداخته شده، کوچکترین اشاره‌ای به‌سوابق تعلیم و تربیت دختران و زنان این شهر در مدارس اسلامی، و زمینه‌ها و تأثیرات مثبت این مدارس در بسترسازی و امکان ادامه سوادآموزی آنها در مدارس دولتی، نشده است.^۱ کامل‌ترین تحلیل را تنها در کتاب «حوزه علمیه خراسان» نوشته محمود پسندیده می‌توان یافت، که بخش کوچکی از کتاب مفصل خود را به مدارس علمیه بانوان اختصاص، و نسبت به سایر منابع و مآخذ، اطلاعات مفیدتری ارائه داده است.^۲

۲. شناسایی مکان‌ها و افراد

محدوده جغرافیایی این طرح در داخل شهر مشهد بوده که خوشبختانه برای یافتن محل آنها تلاش زیادی لازم نبود. زیرا تمرکز وجود این مدارس در محله‌های قدیمی و مرکزی شهر مشهد، کار را آسان می‌کرد. که شاید بتوان قدمت تأسیس آنها و میزان وسعت شهر، لزوم در دسترس بودن

۱- آقا ملای، ایرج. تاریخچه آموزش و پرورش نوین مشهد و اداره کل خراسان، مشهد: مرندیز، ۱۳۸۴، ص ۹۷.

۲- پسندیده، محمود. حوزه علمیه خراسان، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ج اول، ص ۴۳۷.

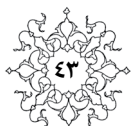


برای عموم مردم، و اهمیت نزدیکی به حرم مطهر را از دلایل مهم آن دانست. این مؤسسات در محله‌هایی مثل میدان گنبد سبز، بلوار مطهری، چهارراه خواجه‌ربیع، و خیابان‌های امام خمینی، آخوند خراسانی، امام رضا، دانش، گاراژدارها و ... واقع شده‌اند که به تفکیک در جدول پایانی مقاله به آن اشاره شده است. تعداد مدارس یاد شده، هشت باب است که هفت مدرسه قبل از پیروزی انقلاب اقدام به فعالیت نموده، و یک مدرسه دیگر شروع فعالیت غیررسمی‌اش قبل از انقلاب، و افتتاح رسمی‌اش در سال ۱۳۶۴ بوده است. (لازم به یادآوری است که در این طرح تنها به بررسی مدارسی پرداخته شده که سابقه فعالیت آنها مربوط به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی است).

به‌طور طبیعی اولین و مهم‌ترین گزینه مطلوب برای انجام مصاحبه، مدیران این مدارس بودند که بعد از ایجاد ارتباط، ارائه توضیحات لازم و اجرای مراحل اداری، این مهم نیز انجام شد. تنها در مورد «مدرسه اسلامی نرجس» که از وسعت و قدمت بیشتری برخوردار است، گفتگو با افراد بیشتری ضرورت داشت که با همکاری مسئولان این مدرسه تحقق یافت. مصاحبه‌شوندگان این طرح عمدتاً مدیران، مدرسان، محصلان و همکاران این مدارس هستند.

نام و مشخصات این مدارس عبارت‌اند از:

- **مدرسه اسلامی عصمتیه:** تأسیس در سال ۱۳۴۰ شمسی، که در این رابطه با سرکار خانم شهربانو صفری، مدیر این مدرسه بالغ بر پنج ساعت مصاحبه به‌عمل آمد.
- **مدرسه اسلامی مکتب نرجس:** تأسیس در سال ۱۳۴۵ شمسی، که با خانم‌ها فاطمه خاموشی (طاهایی) مدیر مدرسه؛ فاطمه اعتمادی معاونت مدرسه؛ بتول نوقانی، فرح جوشقانی، طیبیه هزاره و قدسیه علوی همکاران و محصلان مدرسه؛ بالغ بر سی و سه ساعت گفتگو انجام شد.
- **مدرسه اسلامی حضرت رقیه(س):** تأسیس در سال ۱۳۴۵ شمسی که با سرکارخانم زهرا افشار، سرپرست مدرسه چهار ساعت گفتگو انجام شد.
- **مدرسه علمیة اسلام‌شناسی:** تأسیس در سال ۱۳۴۷ شمسی، که در این رابطه با سرکار خانم صدیقه مقدسی، مدیر مدرسه نزدیک به هفت ساعت مصاحبه به‌عمل آمد.
- **مدرسه اسلامی پیروان حضرت زهرا(س):** تأسیس در سال ۱۳۴۹ شمسی، که با سرکار خانم فاطمه زندی، مدیر مدرسه نزدیک به سه ساعت مصاحبه به‌عمل آمد.
- **مدرسه اسلامی مکتب الزهرا(س):** تأسیس در سال ۱۳۵۶ شمسی، که با سرکار خانم فاطمه اعتمادی مدیر مدرسه، بالغ بر ده ساعت گفتگو انجام شد.
- **مدرسه اسلامی فاطمه الزهرا(س):** در این رابطه با فاطمه قرآنی، مدیر مدرسه نزدیک به چهار ساعت مصاحبه به‌عمل آمد.
- **مدرسه اسلامی حضرت زهرا(س):** تأسیس در سال ۱۳۶۴ شمسی که با سرکار خانم



افدس صبوری مدیر مدرسه، ۷۰ دقیقه گفتگو انجام شد.

در حین انجام کار از وجود بانوان دیگری باخبر شدیم که در گذشته دور، اداره‌کننده مجالس مذهبی در مشهد بوده‌اند و اکنون در قید حیات نیستند، از آنجا که آنان مستقیم و یا غیرمستقیم نقش مهمی در پایه‌ریزی مدرسی داشته‌اند که بعدها در مشهد ایجاد شد، فعالیت مجددی برای شناسایی بستگان و آشنایان آنها آغاز شد تا از محدوده و میزان تأثیرگذاری‌شان، حداکثر اطلاعات را به دست آوریم.

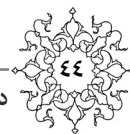
۳. مداخل پیشنهادی و تنظیم سؤالات

موضوع کلی مصاحبه‌ها در این طرح تحقیقاتی، بررسی انگیزه‌های فردی و اجتماعی در تأسیس مدارس، و چگونگی ورود زنان به عرصه فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی است، که در پی آن میزان و وسعت تأثیر این اقدامات در بین زنان شهر مشهد نیز مورد توجه قرار گرفته است. قبل از مصاحبه با استفاده از نتایج مطالعات قبلی، مداخل و سؤالات کلی مصاحبه مشخص شد. معیار انتخاب پرسش‌ها، امکان تسریع حصول به نتیجه از قبل تعیین شده بود. سابقه مدارس، میزان اعتبار آنها در جامعه، وسعت عملکرد، محدودیت‌ها و حساسیت‌های جامعه، خصوصیات متولیان و ... در انتخاب و تدوین سؤالات نقش به‌سزایی داشت. سرانجام مداخل این طرح به این ترتیب مشخص شد:

معرفی کامل و جامع مصاحبه‌شونده، سابقه فعالیت سیاسی و اجتماعی، تاریخ و چگونگی اقدام به تأسیس مدارس، زمینه‌ها، انگیزه و اهداف تشکیل مدارس، حامیان مادی و معنوی در زمان افتتاح، کیفیت و چگونگی ارتباط با گروه‌ها و محافل مذهبی - سیاسی و اجتماعی شهر مشهد، بررسی فعالیت‌های مرتبط با انقلاب اسلامی، چگونگی مقابله با فشارهای احتمالی ساواک، نقش مسئولان مدرسه در پیروزی انقلاب، میزان مشارکت در تأمین نیازهای دفاع مقدس، کیفیت ارتباط با دیگر مدارس بانوان، مراکز فعلی تأمین مالی مدارس، اقدامات مرتبط با امورات خیریه، معرفی شعبه‌های مختلف در سطح کشور، آمار و مشخصات طلاب ایرانی، چگونگی پذیرش و ارائه تسهیلات به طلاب خارجی، کیفیت مواد درسی، معرفی مدرسان و چگونگی گزینش آنها، فعالیت‌های فوق برنامه مدارس، تشریح دلایل پویایی و یا رکود مدارس، برنامه‌های آینده و ارائه پیشنهادات و انتقادات در رابطه با بهبود وضعیت مدارس.

۴. مستندسازی

در روند انجام این طرح، بیشتر از ۷۰ ساعت مصاحبه صوتی و تصویری تهیه شده که بعد از شماره‌گذاری و ثبت این مصاحبه‌ها، مرحله پیاده‌سازی و بازشنوایی آن، رو به پایان است. هم‌چنین اغلب مصاحبه‌ها نمایه‌سازی شده و نمایه‌های آن با ورود به برنامه‌های تنظیم شده رایانه‌ای، به‌زودی قابل بهره‌برداری و استفاده محققان خواهد بود.



مشکلات طرح

انجام مصاحبه با کسانی که کوله‌باری از تجربه و مسئولیت و چهره‌های مصمم و جدی دارند کار آسانی نیست، چرا که اولین شرط برقراری ارتباط مناسب با مصاحبه‌شونده، ایجاد دوستی و صمیمیت با اوست. همین امر دقت بیشتری در انتخاب مصاحبه‌کننده، و لزوم تجربه و درایت او می‌طلبد. سایر موانعی که در اجرای این طرح وجود داشت عبارت بودند از:

• فقدان منابع و مراجع مورد نیاز:

اولین مشکل موجود در این طرح، عدم توجه نویسندگان و مؤلفان به موضوع مورد نظر بود، زیرا به‌طور تقریبی، هیچ منبع و مرجع موثقی یافت نشد تا از آن به‌عنوان دستمایه اطلاعاتی بهره گرفته و به کیفیت و اعتبار طرح اضافه کرد.

• انزوا و گمنامی بانوان فعال در جامعه:

با توجه به تمایل بانوان مذهبی به شناخته‌نشدن و فعالیت در عین گمنامی، در این طرح با گروه ناشناخته‌ای روبرو بودیم که زمان و تلاش زیادی برای شناسایی ایشان لازم بود.

• عدم همکاری در انجام مصاحبه:

روال انجام طرح در مرحله تعیین وقت جهت مصاحبه، با ناامیدی و کندی روبرو شد، زیرا بسیاری از بانوان که گفتگو با آنان، لازمه تکمیل اطلاعات طرح بود، در مقابل این امر مقاومت می‌کردند. اساساً مدرسی که از معروفیت کمتری برخوردار بودند، برای اولین بار بود که با این تقاضا روبرو می‌شدند، لذا هیچ انعطافی در این زمینه به‌خرج نمی‌دادند.

• وجود محدودیت‌های اجتماعی برای بانوان:

در زمان انجام گفتگو، بسیاری از بانوان راضی به مصاحبه تصویری نبودند، درحالی که پیام راوی زمانی به‌طور کامل به مخاطب انتقال می‌یابد که تصویر و حرکات او به اطلاعات گفتاری‌اش اضافه گردد. برخی از بانوان بعد از پایان مصاحبه، با نگرانی از انتشار آن بین جامعه، خواستار حذف بخشی از سخنان‌شان بودند. به‌طور کلی معذوریت بانوان ایرانی، در بیان احساسات واقعی و طبیعی‌شان، از موانع انجام طرح بود، این مسأله توان بیشتری را برای اعتمادسازی در فضای گفتگو می‌طلبید.

• فقدان حضور پرچم‌داران ترویج فرهنگ اسلامی و عدم اطلاعات کافی درباره ایشان:

درگذشت مدرسانی چون رنجبر، قانع، زندی و شیخ‌الاسلامی به‌عنوان اولین زنان مبلغ در شهر مشهد، خلاء و زیان بزرگی برای طرح محسوب می‌شد، زیرا زحمات آنها قدم بزرگی در جهت راه‌اندازی مدارس بانوان محسوب می‌شد.



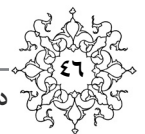
نتیجه‌گیری

این طرح تحقیقاتی از اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۳ آغاز، و تا نیمه سال ۱۳۸۶ ادامه داشت. از ویژگی‌های این طرح بومی‌نبودن اکثر مدیران و مؤسسان این مدارس است که علاوه بر دستیابی به اهداف طرح، خاطرات و اطلاعات مهمی از تاریخ اقصی نقاط کشور توسط مصاحبه‌شونده، به شیرینی مصاحبه‌ها افزود، و محتوای آن را غنی و شنیدنی کرد. همچنین در طی انجام این پروژه، ده‌ها نوار سخنرانی از شخصیت‌های مذهبی و سیاسی، در حدود ۱۰۰ عکس تاریخی، صدها صفحه اعلامیه و جزوات دوران انقلاب و ده‌ها نشریه ادواری، توسط مصاحبه‌شوندگان به آرشیو اسناد آستان قدس رضوی اهدا شد.^۱

نتایجی که در طول انجام پژوهش به دست آمد مؤید نگرانی‌ها و خطراتی است که امروزه مدارس اسلامی بانوان را تهدید می‌کند، شایسته است در این بخش به برخی از آن‌ها اشاره شود:

- انزوا، و دوری از متن جامعه، به علت وجود اصول و چارچوب‌های قدیمی و سنتی حاکم بر بعضی از مدارس.
- روزآمد نبودن اداره مدارس و روش سنتی تدریس برخی از مدرسان.
- کمبود به‌کارگیری فناوری و راهبردهای جدید در امور اجرایی و آموزشی، و نبود برنامه‌های فوق‌العاده، غیردرسی و تفریحی در برخی از مدارس.
- عدم اختصاص امکانات و تسهیلات لازم به این مدارس، و در پی آن بی‌انگیزگی و یا به اصطلاح بریدن طلاب از ادامه تحصیل.
- ادبیات و حجمِ ثقیل و کسالت‌بار بعضی از مواد درسی که به قرن‌های بسیار گذشته در تاریخ اسلام، باز می‌گردد و بازداشتن طلاب از پرداختن به رویدادهای جدید و اطلاعات روز.
- عدم اطمینان خاطر در جذب بودجه‌های لازم، و نگرانی دائمی از جاری‌نبودن برنامه ثابت و مستمر در جهت تزریق مالی به این مدارس.
- وجود موانعی برای عرضه و ارائه نظرات مختلف، مقاومت در مقابل بروز تنوع آراء و ایجاد رویارویی فکری که مانع رشد و ارتقاء، تقویت بنیه علمی و کسب تجربه طلاب مشتاق و فعال این مدارس خواهد شد.
- طولانی‌شدن تصدی برخی از مسئولیت‌ها در مدارس، باعث عدم پویایی و ابتکار، نوآوری و نشاط در محیط آن مراکز خواهد شد.
- و در نهایت عدم اتحاد و انسجام لازم بین مدارس و مسئولان آن، باعث رقابت منفی، تأخیر در برنامه‌های اجرایی، و کندی پیشرفت اوضاع کلی مدارس خواهد شد.

۱- همچنین تصویر تمامی پایان‌نامه‌های طلاب این مدرسه‌ها به تالار محققان کتابخانه آستان قدس رضوی ارائه شد.



منابع:

- احمدی خراسانی، نوشین (۱۳۸۳). فیروزه مهاجر. فصل زنان. تهران: توسعه.
- آقاملایی، ایرج (۱۳۸۴). تاریخچه آموزش و پرورش نوین مشهد و اداره کل خراسان. مشهد: مرندیز.
- پسندیده، محمود (?). حوزه علمیه خراسان. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی. ج اول. ص ۴۳۷.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۷۸). مدارس دختران از مشروطیت تا پهلوی. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۶۵). گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد. مشهد: مؤسسات چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- طغرانگار، حسن (۱۳۸۳). حقوق سیاسی - اجتماعی بانوان. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عظیمی‌نژادان، شبنم (۱۳۸۳). زن معمار جامعه مردسالار. تهران: اختران.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۲۲). شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. تهران: زوار. چاپ دوم. جلد ۱.
- مصاحبه با شهربانو صفری، مؤسس مدرسه عصمتیه، در تاریخ ۱۳۸۳/۶/۱۲، شماره پرونده ۲۲۶.
- مصاحبه با صدیقه مقدسی، مدیر مدرسه اسلام شناسی، در تاریخ ۱۳۸۳/۹/۱۶، شماره پرونده ۳۴۸/۱.
- مصاحبه با فاطمه اعتمادی، مدیر مدرسه مکتب الزهرا(س)، در تاریخ ۱۳۸۳/۷/۱، شماره پرونده ۱۰/۱.
- مصاحبه با فاطمه زندی، مدیر مدرسه پیروان حضرت زهرا(س)، در تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۵، شماره پرونده ۱۵۹.
- مهرآبادی، میترا (۱۳۷۹). زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی. تهران: آفرینش.
- ناجی‌راد، محمدعلی (۱۳۸۲). موانع و مشکلات در فعالیتهای سیاسی اقتصادی در ایران پس از انقلاب. تهران: کویر.





تصویر شماره یک: سردرب مدرسه اسلامی عصمتیه،
میدان آخوند خراسانی، تأسیس ۱۳۴۰ ش.



تصویر شماره دو: سردرب مدرسه حضرت رقیه در
خیابان شهید هاشمی نژاد، تأسیس ۱۳۴۵ ش.



تصویر شماره سه: سردر مدرسه علمیه مکتب الاسلام، تأسیس ۱۳۴۵ ش.



تصویر شماره چهار: مدرسه علمیه اسلام شناسی در خیابان عدل خمینی، تأسیس ۱۳۴۷ ش.



مصاحبه با فاطمه فکور یحیایی (مادر حسن رحیم پور ازغدی)، سال ۱۳۸۷ ش.



مصاحبه با زهرا فاطمی، یکی از شاگردان مدرسه علمیة مکتب الاسلام، سال ۱۳۸۴ ش.



تصویر شماره پنج: سردر مدرسه علمیة حضرت زهرا(ع)،
تأسیس ۱۳۶۴ ش.

